مجموعه‌ی جنبش‌های اجتماعی – ترجمه‌ی ۴

انضباط بی‌خشونت در جنبش‌های اجتماعی: ساختن یا شکستن؟

چه چیزی جنبش‌ها را، زیر سرکوب، بی‌خشونت نگه می‌دارد؟

بخش ۲ از ۴ – فصل دوم: تحلیل آماری و نتایج، و پیوست آماری

جاناتان پینکنی

Jonathan Pinckney, *Making or Breaking Nonviolent Discipline in Civil Resistance Movements*, ICNC Monograph Series (Washington, DC: International Center on Nonviolent Conflict, 2016), pp. 35–44 and 76–89.

این اثر توسط **پژوهشکده‌ی جنبش معلمان** به فارسی ترجمه شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. ترجمه‌ی کامل و بدون حذف است و در چهار بخش هفتگی منتشر می‌شود؛ شماره‌های داخل کادر ۳۵ آغاز هر صفحه‌ی متن اصلی را نشان می‌دهند تا ارجاع به اصل آسان باشد. پانوشت‌ها عیناً به زبان اصلی و با شماره‌ی اصل آمده‌اند. افزوده‌های مترجم با «م.» مشخص شده‌اند.

یادداشت پژوهشکده

در بخش نخست، پینکنی سیزده «تأثیر مورد انتظار» بر انضباط بی‌خشونت را از ادبیات پژوهشی بیرون کشید. این بخش، آزمون آماری ده تا از آن‌هاست: نزدیک به هجده هزار رویداد اعتراضی در چهارده کشور غیردموکراتیک، از الجزایر و مصر تا اوکراین و ازبکستان، در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۲. واحد تحلیل نه کارزار، که تک‌تک کنش‌هاست؛ پرسش این است که یک تظاهرات یا اعتصاب مشخص بی‌خشونت می‌ماند یا نه.

آنچه تأیید شد: سرکوب انباشته (تأثیر ۱۲) پایدارترین عامل فروپاشی انضباط است، اما نه سرکوب لحظه‌ای: شرکت‌کنندگان به الگوی بلندمدت سرکوب واکنش نشان می‌دهند، نه به یک یورش منفرد. اهداف میانه‌رو یا اصلاح‌طلبانه (تأثیر ۷) با انضباط بالاتر همراه است و طولانی شدن کارزار (تأثیر ۱۳) با انضباط پایین‌تر، هرچند این دومی ناپایدار است. تجربه‌ی تاریخی (تأثیر ۱) فقط در کارزارهای بزرگ انقلابی اثر مورد انتظار را دارد.

آنچه وارونه درآمد: امتیاز گرفتن از حکومت (تأثیر ۴) انضباط را کاهش می‌دهد، نه افزایش؛ و کارزارهای سلسله‌مراتبی و ظاهراً یکپارچه (تأثیر ۶) انضباط پایین‌تری دارند، در حالی که کارزارهایی که اختلاف‌نظر درونی‌شان آشکارا بیان می‌شود انضباط بالاتری دارند. نویسنده این را با «احساس مالکیت» شرکت‌کنندگان بر کارزار توضیح می‌دهد.

آنچه اثری نداشت یا روشن نشد: تنوع اجتماعی کارزار (تأثیر ۱۰) و گستردگی رپرتوار تاکتیک‌های پیشین (تأثیر ۳) اثر قابل‌سنجشی نداشتند. نوع تاکتیک (تأثیر ۸) و حضور جوانان (تأثیر ۹) نتیجه‌ی روشنی ندادند؛ فقط نشانه‌ای ضعیف هست که اعتصاب کمتر از تظاهرات و تحصن دچار فروپاشی انضباط می‌شود. تأثیرهای ۲، ۵ و ۱۱ با این داده‌ها آزمودنی نبودند و در فصل‌های سوم و چهارم، با مطالعات موردی، بررسی می‌شوند.

برای خواننده‌ای که با تشکل‌های صنفی کار می‌کند، دو یافته جای درنگ دارد: انضباط پس از پیروزی‌های جزئی سست می‌شود، و سرکوبِ پیوسته، نه یک‌باره، است که آن را می‌فرساید.

درباره‌ی متن و پیوست. پیوست آماری کامل ترجمه شده است. جدول‌ها و نمودارهای پیوست در اصل از شماره‌ی ۱ آغاز می‌شوند؛ برای جلوگیری از اشتباه با جدول‌ها و نمودارهای متن، کنار آن‌ها «(پیوست)» افزوده‌ایم. نمودارها از روی اصل بازسازی شده‌اند و ارقام نمودارهای ۵، ۶ و دو نمودار پیوست تقریبی‌اند. چند ناسازگاری در متن اصلی هست که دست نزده‌ایم و فقط نشانشان داده‌ایم: در متن اصلی، اثر تجربه‌ی تاریخی «نامشخص» خوانده شده و در جدول پیوست «تأیید شد»؛ پیوست می‌گوید متغیر «کارزار بی‌خشونت ناموفق پیشین» در نمونه‌ی بزرگ معنادار نیست، اما جدول رگرسیون آن را در

مدل‌های ۳ تا ۵ معنادار نشان می‌دهد؛ پیوست اثر رپرتوار را در نمونه‌ی بزرگ «به‌شدت کاهنده» می‌خواند، اما ضریب‌های آن در جدول ستاره‌ی معناداری ندارند؛ و یک ردیف از جدول آماره‌های توصیفی خطای آشکار دارد.

اصطلاحات همان‌اند که در بخش ۱ آمد: «انضباط بی‌خشونت» (nonviolent discipline)، «مقاومت مدنی» (civil resistance)، «کارزار» (campaign)، «امتیاز» برای concession و «رپرتوار ستیز» برای repertoire of contention. نمادهای s، r، b و p همان عامل‌های مدل ریاضی فصل اول‌اند.

فصل ۲ [۳۵]

تحلیل آماری و نتایج

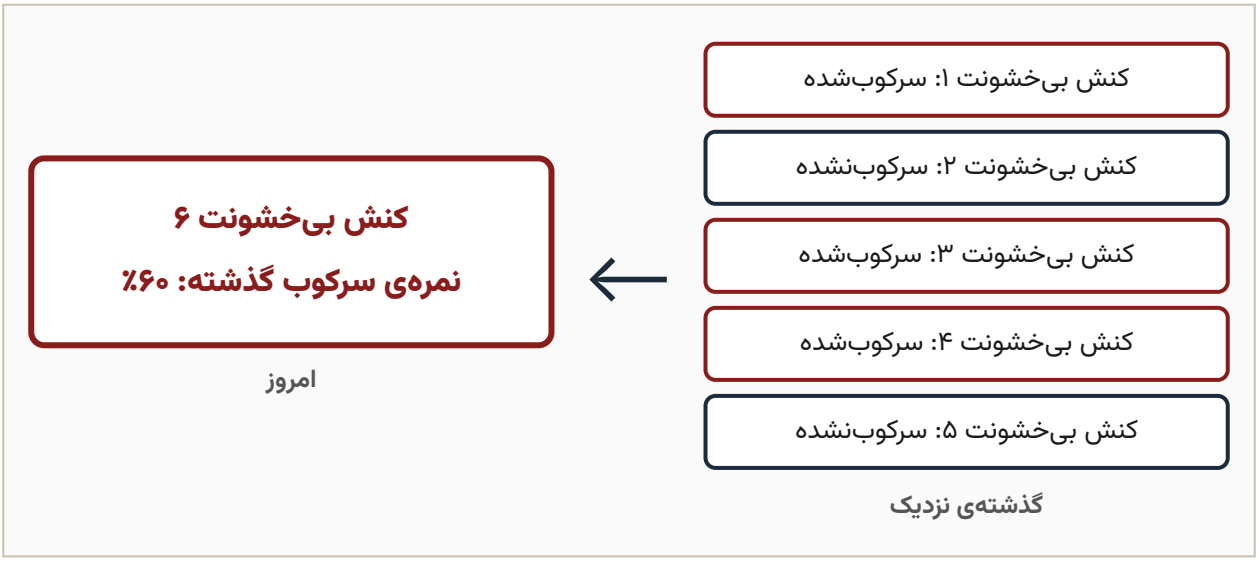
این بخش نتایج آزمون‌های آماریِ چند تأثیرِ مورد انتظار بر انضباط بی‌خشونت را که پیش‌تر برشمرده شد عرضه می‌کند. برای سهولت خواندن، بیشترِ اطلاعات فنی درباره‌ی ساختار داده‌ها، روش‌های آزمون و آزمون‌های استحکام آماری در ضمیمه‌ی آماری (پیوست الف) آمده است. برای خوانندگان دانشگاهی که به این جنبه از پژوهش علاقه دارند، ضمیمه خواندنی مناسب‌تری است. برای خوانندگان عمومی‌تر که با آمار پیشرفته چندان آشنا نیستند، این بخش دسترس‌پذیرتر خواهد بود.

همان‌طور که در مقدمه گفته شد، داده‌هایی که در آزمون به کار رفته‌اند از پروژه‌ی گردآوری داده‌ی «کارزارها و پیامدهای بی‌خشونت و خشونت‌آمیز» (NAVCO)، نسخه‌ی ۳.۰، می‌آیند (Chenoweth, Pinckney, and Lewis 2016). NAVCO 3.0 اطلاعات تفصیلی درباره‌ی تک‌تک کنش‌های تاکتیکی گرد می‌آورد: از یک سو کنش‌های کارزارهای ضدحکومتی، از جمله تظاهرات، اعتصاب، تحریم و تحصنِ کارزارهای مقاومت مدنی، و از سوی دیگر حملات تروریستی و درگیری‌های مسلحانه‌ی شورش‌های خشونت‌آمیز. این سطح از جزئیات برای بررسی پرسش‌های مربوط به انضباط بی‌خشونت اهمیت دارد، زیرا به ناظر امکان می‌دهد به‌جای نگاه کلی به تصویر مبهم‌ترِ کارزارها در کلیتشان، ویژگی‌های منحصربه‌فرد تک‌تک کنش‌ها را بررسی کند.

نگاه به داده‌هایی با این جزئیات همچنین امکان می‌دهد بررسی کنیم که عواملی چون الگوهای سرکوب یا امتیازدهی در برابر کنش بی‌خشونت چگونه در طول زمان تغییر می‌کنند. برای نمونه، داده‌ها برای هر کنشِ یک کارزار مقاومت مدنی می‌توانند نشان دهند که در گذشته‌ی نزدیک چه تعداد از دیگر کنش‌های بی‌خشونت و خشونت‌آمیز در آن کشور سرکوب شده یا امتیاز گرفته‌اند. این کار تصویری ریزدانه به دست می‌دهد از اینکه فرصت‌های سیاسی و چالش‌های سرکوب در هر لحظه‌ی مشخص از یک کارزار مقاومت مدنی چه شکلی دارند. از این رو، آزمون‌های آماری میانگینِ تعداد کنش‌های بی‌خشونتِ گذشته‌ی نزدیک را که سرکوب شده‌اند، و نیز آن‌هایی را که نوعی امتیاز از حکومت گرفته‌اند، گرد می‌آورند.[۲۲]

[۳۶] این رابطه در نمودار ۲ در زیر نشان داده شده است. در آن، اطلاعات مربوط به الگوهای سرکوب در پنج کنش بی‌خشونتِ اخیر برای ساختن نمره‌ی «میانگین سرکوب» برای یک کنش مشخص به کار رفته است. پنج کنش بی‌خشونت اخیر سه بار از پنج بار سرکوب شده‌اند و این به کنش بی‌خشونت کنونی (که در نمودار «کنش بی‌خشونت ۶» نام گرفته) «نمره‌ی سرکوب گذشته»ی ۶۰ درصد می‌دهد. تأثیر ۱۲، که پیش‌تر شرح داده شد، حاکی از آن است که با افزایش این نمره، احتمال حفظ انضباط بی‌خشونت در کنش بی‌خشونت ۶ کاهش خواهد یافت.

نمودار ۲. نمایش تأثیر سرکوب گذشته



بازسازی از روی نمودار اصلی، ص. ۳۶ (جهت زمان با خط فارسی هماهنگ شده است).

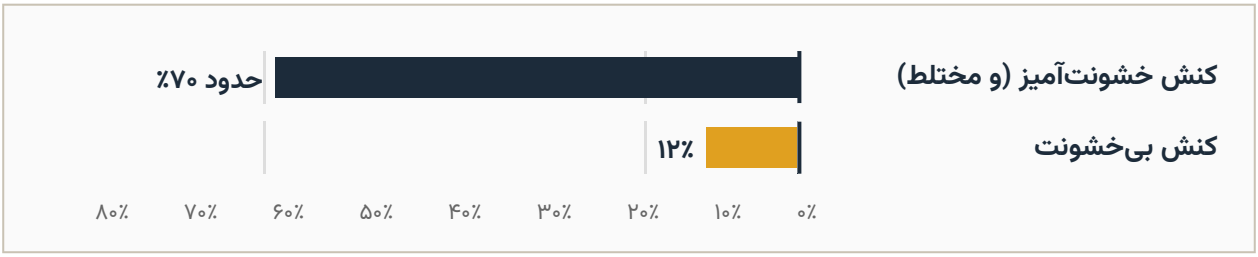
۳۷ داده‌های این پژوهش هزاران کنشِ صدها کارزار را در ۱۴ کشور از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۲ دربر می‌گیرند.[۲۳] گرچه برخی از این کشورها در بخشی از این دوره دموکراتیک بوده‌اند، پژوهش تنها کنش‌های کارزارها را در دوره‌های حکومت غیردموکراتیک بررسی می‌کند.

آزمون‌های آماری در پی آن بودند که مشخص کنند کدام ویژگی‌های کشور، کارزار یا کنشِ منفرد از تأثیرهای مورد انتظاری که در بخش پیشین شناسایی و شرح داده شد پیروی می‌کنند و احتمال اینکه یک کنش مشخص بی‌خشونت، خشونت‌آمیز یا «مختلط» (آمیزه‌ای از عناصر خشونت‌آمیز و بی‌خشونت) باشد را بیشتر کرده‌اند.[۲۴] جزئیات چگونگی ساختن این سنجه‌ها در ضمیمه‌ی آماری آمده است. برای فهرست روابط مورد انتظاری که به‌طور آماری آزموده شدند، به نمودار ۲ در صفحه‌ی پیشین مراجعه کنید. [ظاهراً منظور جدول ۲ در فصل اول است – م.]

نتایج آزمون‌های آماری

تحلیل اولیه‌ی داده‌ها نشان داد که کنش خشونت‌آمیز و بی‌خشونت از بسیاری از الگوهای مورد انتظاری که در ادبیات پژوهشی بیان شده پیروی می‌کنند. برای نمونه، کنش‌های خشونت‌آمیز کارزارهای مقاومت مدنی بسیار بیشتر از کنش‌های بی‌خشونت با سرکوب روبه‌رو می‌شوند. حکومت‌ها رویدادهای خشونت‌آمیز یا «مختلط» را تقریباً در ۷۰ درصد موارد سرکوب کردند، در حالی که رویدادهای بی‌خشونت را تنها در ۱۲ درصد موارد.

نمودار ۳. درصد کنش‌های سرکوب‌شده

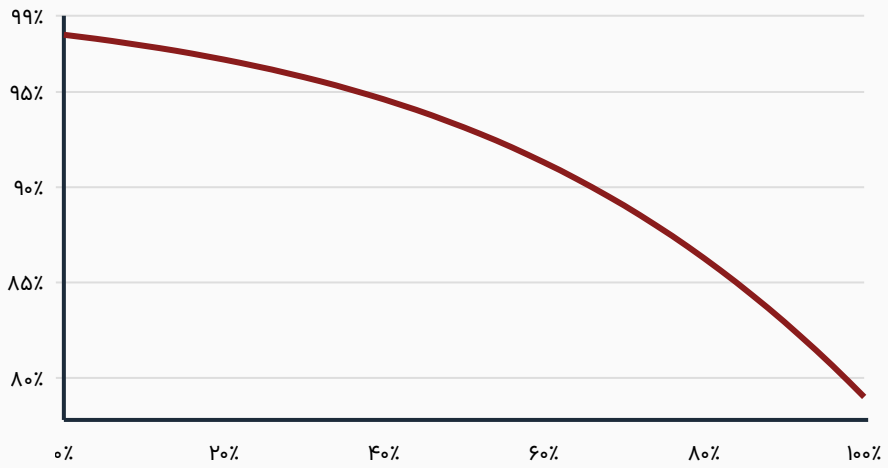


بازسازی از روی نمودار اصلی، ص. ۳۷.

۳۸ امتیازدهی از سوی حکومتِ طرف مقابل، هم در برابر کنش خشونت‌آمیز و هم در برابر کنش بی‌خشونت، نادر بود. با این حال، احتمال امتیازدهی حکومت در پاسخ به کنش بی‌خشونت بسیار بیشتر بود. حکومت در ۲٫۵ درصد موارد در پاسخ به کنش‌های بی‌خشونت امتیاز داد. در مقابل، تنها در ۰٫۵ درصد موارد در پاسخ به کنش‌های خشونت‌آمیز و مختلط امتیاز داد.

این الگوهای سرکوب و امتیازدهی چه ربطی به مسئله‌ی انضباط بی‌خشونت دارند؟ یک رابطه‌ی عمدتاً مورد انتظار و یک رابطه‌ی شگفت‌انگیز وجود دارد. همان‌طور که انتظار می‌رفت، پایدارترین پیش‌بینی‌کننده‌ی فروپاشی انضباط بی‌خشونت در کارزارهای مقاومت مدنی، افزایش سطح سرکوب علیه کنش‌های بی‌خشونت است. با افزایش تعداد کنش‌های بی‌خشونتی که در گذشته‌ی نزدیک از سوی حکومت سرکوب شده بودند، احتمال فروپاشی انضباط بی‌خشونت افزایش یافت. به‌طور میانگین در میان کارزارها، گذار از نبودِ سرکوب در چند کنش بی‌خشونتِ اخیر در کشور به سرکوب همه‌ی کنش‌های اخیر، با ثابت نگه‌داشتن همه‌ی دیگر تأثیرها، احتمال حفظ انضباط بی‌خشونت را ۱۹ درصد کاهش می‌دهد.[۲۵] این رابطه از نزدیک با انتظاری که نظریه پیش گذاشت هم‌خوان است. با افزایش هزینه‌های کنش بی‌خشونت در اثر سرکوب، افراد کمتر سودی در بی‌خشونت ماندن می‌بینند و ممکن است به‌جای آن کنش خشونت‌آمیز را برگزینند.

نمودار ۴. تأثیر سرکوب بر انضباط بی‌خشونت



محور افقی: درصد کنش‌های بی‌خشونتِ سرکوب‌شده (در ۲۵ کنش بی‌خشونت اخیر) — محور عمودی: احتمال حفظ انضباط بی‌خشونت

بازسازی از روی نمودار اصلی، ص. ۳۸؛ منحنی با ضریب مدل ۱ جدول رگرسیون (-۲٫۵۵۶) و دو نقطه‌ی ۹۸ و ۷۹ درصدِ گزارش‌شده در متن رسم شده است.

۳۹ نمودار ۴ (در صفحه‌ی پیشین) این رابطه را به‌صورت تصویری نشان می‌دهد. با افزایش درصد کنش‌های بی‌خشونتِ سرکوب‌شده در گذشته‌ی نزدیک، احتمال پیش‌بینی‌شده‌ی بی‌خشونت ماندنِ یک کنش کاهش می‌یابد: از حداکثر حدود ۹۸ درصد احتمال پیش‌بینی‌شده‌ی کنش بی‌خشونت به ۷۹ درصد.

الگوهای موجود در داده‌ها نشان می‌دهند که این رابطه بیشتر ناشی از واکنش شرکت‌کنندگان کارزار به الگوهای بلندمدت سرکوب است تا واکنش فوری با خشونت به سرکوب رژیم. سنجه‌های میانگین سرکوب در ۱۰ کنش بی‌خشونت گذشته یا بیشتر، همگی از همین رابطه پیروی می‌کنند و احتمال بی‌خشونت بودن یک کنش مشخص را به‌طور معنادار آماری کاهش می‌دهند. اما همین درباره‌ی سرکوب فوری صادق نیست. اینکه تنها کنش بی‌خشونتِ بلافاصله پیش از یک کنش معین سرکوب شده باشد یا نه، تأثیر معناداری بر بی‌خشونت بودن آن کنش ندارد. به بیان دیگر، شرکت‌کنندگان کارزار بلافاصله با کنش خشونت‌آمیز به سرکوب پاسخ نمی‌دهند. بلکه با افزایش سطح سرکوب در درازمدت، احتمال اینکه شرکت‌کنندگان خشونت را برگزینند پیوسته بیشتر می‌شود.

شگفت آنکه درباره‌ی امتیازها نیز رابطه همین است. امتیازهای رژیم به کارزار، برخلاف انتظار، انضباط بی‌خشونت را تقویت نمی‌کنند. به‌جای اینکه امتیازدهی در برابر کنش بی‌خشونتِ گذشته به افزایش انضباط بی‌خشونت بینجامد، به نظر می‌رسد امتیازها به احتمال بیشترِ فروپاشی انضباط بی‌خشونت

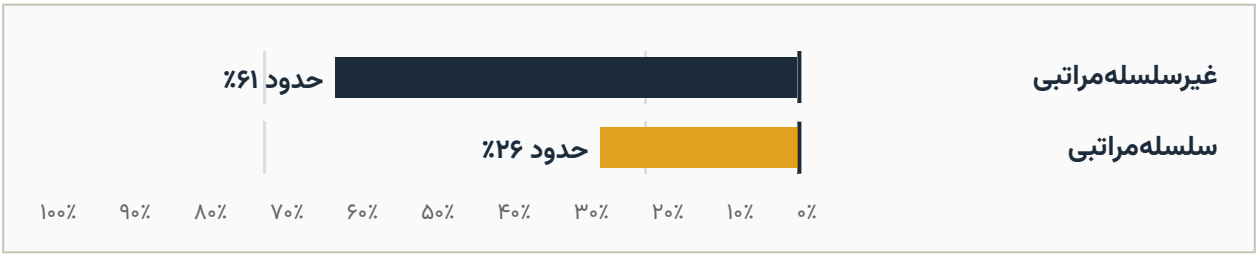
منجر می‌شوند. گذار از نبودِ امتیاز در ۲۵ کنش بی‌خشونت گذشته به بیشترین درصد مشاهده‌شده‌ی امتیازدهی، احتمال حفظ انضباط بی‌خشونت را نزدیک به ۴۰ درصد کاهش می‌دهد.[۲۶]

داده‌ها کلی‌تر از آن‌اند که بتوان از روی آن‌ها پیشنهاد مشخصی درباره‌ی چرایی این امر داد. با این حال، سازوکارهای گوناگونی ممکن است. نخست اینکه امتیازها ممکن است کارزارها را به «لم دادن بر افتخارات» بکشانند؛ به بیان دیگر، به دست آوردن برخی امتیازها ممکن است رهبران کارزار را بیش از حد مطمئن کند و تمرکزشان را از بین ببرد. وقتی رهبری کارزار به پیشرفت راهبردی دست می‌یابد، ممکن است از شدت آموزش‌ها، نظام معیارهای عضویت یا دیگر تدابیر سخت‌گیرانه برای حفظ انضباط بی‌خشونت بکاهد. امتیازهایی که از مجاری رسمی داده می‌شوند همچنین ممکن است احساس خشم از بی‌عدالتی را که اغلب جنبش‌ها را متحد می‌کند فرو بنشانند و به تفرقه و فروپاشی انضباط بینجامند (Martin 2007, 3).[۲۷] شواهد برآمده از منازعات بر سر حق تعیین سرنوشت نشان می‌دهد که [۴۰] کنار آمدن حکومت با بخشی از خواسته‌ها ممکن است به افزایش انشعاب در جنبش‌ها نیز بینجامد، به این صورت که گروه‌های رادیکال‌تر از میانه‌روها جدا می‌شوند و اهداف رادیکال‌تر و روش‌های خشونت‌آمیز را پی می‌گیرند (Cunningham 2013, 2014).

تأثیرهای تجربه‌ی تاریخی همان‌گونه است که انتظار می‌رفت، اما معناداری آماری آن‌ها ناپایدار است. در کل جامعه‌ی آماری کارزارها، این تأثیرها از نظر آماری معنادار نیستند. با این حال، وقتی تنها کارزارهای بزرگی بررسی می‌شوند که خواهان تغییر رژیم یا جدایی‌اند، تجربه‌های تاریخی تأثیر مورد انتظار خود را بر انضباط بی‌خشونت دارند: کارزارهای بی‌خشونتِ موفقِ گذشته با انضباط بی‌خشونت بالاتر، و کارزارهای خشونت‌آمیزِ موفقِ گذشته با انضباط بی‌خشونت پایین‌تر همراه‌اند.[۲۸]

چند ویژگی کارزار اهمیت کمتری برای انضباط بی‌خشونت دارند. به‌ویژه تنوع، به نظر می‌رسد رابطه‌ی اندکی با انضباط بی‌خشونت دارد یا اصلاً رابطه‌ای ندارد. آزمونِ معیارهای کارزار در پیوند با جوانان و دانشجویان نیز به همین ترتیب مبهم بود و نتایج آماری ناپایداری داشت. شگفت آنکه کارزارهایی با رهبری سلسله‌مراتبی و سطح پایین کشمکش درونی، یعنی کارزارهایی که اختلاف‌نظر آشکار اندکی میان رهبرانشان بر سر سیاست یا راهبرد وجود دارد، در واقع بیشتر دچار فروپاشی انضباط بی‌خشونت می‌شوند: سلسله‌مراتب احتمال حفظ انضباط بی‌خشونت را ۳۵ درصد کاهش می‌دهد، و افزایش سطح کشمکش درونی کارزار احتمال حفظ انضباط بی‌خشونت را ۲۸ درصد افزایش می‌دهد.

نمودار ۵. ساختار کارزار و احتمال حفظ انضباط بی‌خشونت



بازسازی تقریبی از روی نمودار اصلی، ص. ۴۰ (احتمال پیش‌بینی‌شده‌ی حفظ انضباط بی‌خشونت).

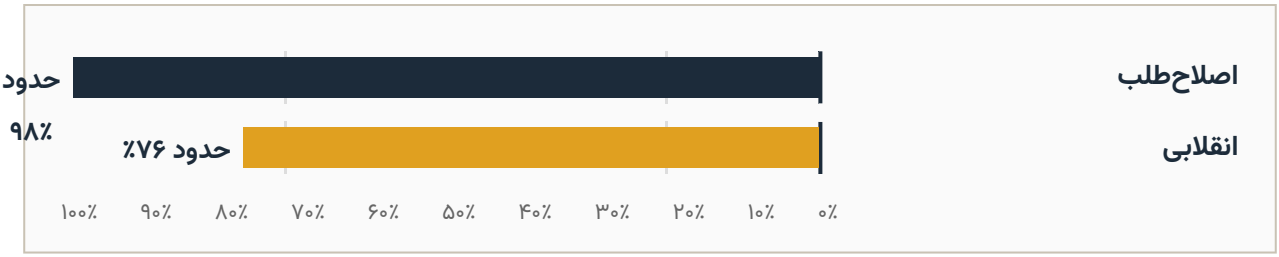
۴۱ گرچه این روابط در ادبیات پیش‌بینی نشده‌اند، یک توضیح احتمالی برای یافته‌ی مربوط به تأثیر منفی سلسله‌مراتب بر انضباط بی‌خشونت این است که – به پیروی از ماتاینی و نه پرلمن – کارزارها زمانی انضباط بی‌خشونت بیشتری دارند که شرکت‌کنندگانِ واقعی احساس مالکیت بیشتری بر کنش‌هایی که انجام می‌شود داشته باشند. بنابراین، از منظر نظریه‌ی انضباط بی‌خشونت، سلسله‌مراتب به‌طور پذیرفتنی ممکن است احتمال، سرعت و شدتِ مجازاتِ اعضای جنبش را که انضباط بی‌خشونت را می‌شکنند، از سوی رهبری کارزار افزایش دهد (عامل‌های $_{\gamma}p$ و $_{\gamma}s$ در مدل ریاضی). اما ممکن است سودی را هم که فرد از بی‌خشونت ماندن به دست می‌آورد کاهش دهد، چرا که شرکت‌کننده ممکن است نسبت به آنچه در کارزاری که خود بخشی از آن است می‌گذرد، احساس مالکیت نکند (عامل $_{nv}b$). از سوی دیگر، جنبش‌های ضدحکومتی ممکن است ذاتاً نیروهای سرکشی را جذب کنند که در برابر پیروی از ساختارهای سلسله‌مراتبی مقاومت می‌کنند، و این به فروپاشی انضباط می‌انجامد.[۲۹]

تصویر کشمکش درونی نیز وقتی عمیق‌تر به داده‌ها نگاه کنیم کمی پیچیده‌تر است. تقریباً همه‌ی کنش‌های موجود در داده‌ها در کارزارهایی رخ می‌دهند که یا هیچ کشمکش درونیِ مشاهده‌شده‌ای ندارند یا در وضعیت «همکاری با ناهمگونی متوسط (یعنی اختلاف‌نظرهای ایدئولوژیک یا سیاستی)» قرار دارند (Chenoweth 2015). بنابراین تفاوت اصلی که در آزمون‌های آماری مشاهده می‌کنیم این است که کارزارهایی که در آن‌ها اختلاف‌نظرِ کلامیِ آشکاری وجود دارد، فروپاشی کمتری در انضباط بی‌خشونت دارند. اختلاف‌نظرهای کلامیِ آشکار گرچه ممکن است نشانه‌ی کمبودِ مسئله‌سازِ وحدت در کارزار باشند، ممکن است این را هم نشان دهند که کارزار مجال درجه‌ای سالم از بحث را فراهم می‌کند و از این راه احساسِ ذی‌نفع بودن در خودِ کارزار را در میان شرکت‌کنندگانش افزایش می‌دهد. شنیده شدن صداهای متعدد ممکن است نشان دهد که جناح‌های گوناگون زیادی می‌توانند خود را صاحب کارزار بدانند و، از آنجا که در موفقیت آن ذی‌نفع‌اند، انگیزه داشته باشند انضباط بی‌خشونت قوی‌تری را حفظ کنند (افزایش عامل $_{nv}b$). از سوی دیگر، کارزارهایی که همیشه کاملاً متحد به نظر می‌رسند ممکن است اختلاف‌های درونیِ پنهان‌تری داشته باشند که به‌جای حل‌وفصل، سرپوش گذاشته می‌شوند. اگر این

اختلاف‌ها در بحث درون کارزار بروز نکنند، ممکن است به شکل کنش‌های خشونت‌آمیزِ شرکت‌کنندگان کارزار به بیرون راه یابند.

یکی دیگر از ویژگی‌های کارزار که به نظر می‌رسد به‌طور معنادار بر انضباط بی‌خشونت اثر می‌گذارد، اهداف کارزار است. هدف انقلابیِ تغییر رژیم یا جدایی، حفظ انضباط بی‌خشونت را ۲۲ درصد کمتر محتمل کرد. به نظر نمی‌رسد این تغییر با تفاوت در سطح سرکوب توضیح داده شود. گرچه [۴۲] کنش‌های کارزارهای انقلابی بیشتر احتمال دارد سرکوب شوند (۲۹ درصد کنش‌های کارزارهای انقلابی با سرکوب روبه‌رو شدند، در مقایسه با تنها ۱۲ درصد کنش‌های کارزارهای اصلاح‌طلب)، کنترل سطح سرکوب، معناداری آماریِ اهداف انقلابی را در کاهش انضباط بی‌خشونت از بین نمی‌برد. بنابراین، گرچه نمی‌توان توضیح‌های جایگزین را کنار گذاشت، پذیرفتنی به نظر می‌رسد که کاهش انضباط بی‌خشونت با اهداف انقلابی مرتبط باشد.

نمودار ۶. اهداف راهبردی و احتمال حفظ انضباط بی‌خشونت



بازسازی تقریبی از روی نمودار اصلی، ص. ۴۲.

سرانجام، طول مدت کارزار به نظر می‌رسد بر انضباط بی‌خشونت اثر می‌گذارد، هرچند این اثر تا اندازه‌ای ناپایدار است. در بیشتر آزمون‌های آماری، مدت زمانی که از آغاز کارزار گذشته بود به‌طور معناداری انضباط بی‌خشونتِ پایین‌تر را پیش‌بینی می‌کرد. به بیان دیگر، با طولانی‌تر شدن کارزار، احتمال خشونت‌آمیز بودن کنش‌ها بیشتر و بیشتر می‌شد. با این حال، این رابطه در همه‌ی آزمون‌ها از نظر آماری معنادار نبود؛ یعنی تأثیر طول کارزار ناپایدار است.

آزمون‌های آماری درباره‌ی اینکه آیا تاکتیک‌هایی که با رویارویی فیزیکی همراه‌اند، مانند تظاهرات یا تحصن، بیشتر به فروپاشی انضباط بی‌خشونت انجامیده‌اند یا نه، عمدتاً بی‌نتیجه بودند. این تا حدی به دلیل مشکلات داده‌ها بود (برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به ضمیمه‌ی آماری)، اما به نظر می‌رسد آزمون‌های متعدد الگوهای واقعی در داده‌ها را ثبت می‌کنند که رابطه‌ی اندک یا هیچ رابطه‌ای میان تاکتیک‌های مشخص و احتمال حفظ انضباط بی‌خشونت نشان نمی‌دهند. نشانه‌های جزئی وجود دارد که اعتصاب‌ها ممکن است [۴۳] نسبت به اعتراض‌ها یا تحصن‌ها اندکی کمتر در معرض فروپاشی انضباط بی‌خشونت باشند، اما این الگو از نظر آماری معنادار نیست.

این یافته نتیجه‌گیری‌های مربوط به تأثیرهای سرکوب را تأیید می‌کند و، به‌طور کلی‌تر، تصویری از شرکت‌کنندگان کارزارهای مقاومت مدنی به دست می‌دهد که به انگیزه‌های موجود در محیط سیاسی گسترده‌تر پاسخ می‌دهند، نه اینکه صرفاً به شرایط بی‌واسطه‌ی خود واکنش نشان دهند. به نظر نمی‌رسد تاکتیک‌هایی که رویارویی فیزیکی بالقوه دارند و احساسات در آن‌ها ممکن است داغ شود، بیش از تاکتیک‌هایی که امکان رویارویی فیزیکی کمتری دارند دچار فروپاشی انضباط بی‌خشونت شوند. این به معنای انکار این امکان نیست که در شرایطی خاص یک واکنش احساسی بتواند به فروپاشی انضباط بی‌خشونت دامن بزند. با این حال، به نظر نمی‌رسد این نوع واکنش‌های غریزی راه اصلی رخ دادن فروپاشی‌ها باشند.

از منظر چارچوب نظری که در بخش پیشین ارائه شد، تحلیل آماری به‌شدت از اهمیت ترجیحات شخصی برای کنش خشونت‌آمیز و کنش بی‌خشونت (عامل‌های b_v و b_{nv}) و تأثیر سرکوب (عامل‌های r_v و r_{nv}) در افزایش یا کاهش انضباط بی‌خشونت پشتیبانی می‌کند. از مدل‌سازی آماری کمتر روشن است که ترس از مجازات کارزار نقش عمده‌ای در ایجاد انضباط بی‌خشونت داشته باشد. سنجه‌های توانایی کارزار برای مجازات و برای اطلاع‌رسانی درباره‌ی مجازات (سلسله‌مراتب و وحدت درونی) انضباط بی‌خشونت را تشویق نکردند، بلکه در واقع با فروپاشی‌های به‌مراتب بیشتر در انضباط بی‌خشونت همراه بودند. گرچه این آزمون تا اندازه‌ای غیرمستقیم است و بنابراین این امکان را که مجازات یا پاداش کارزار در تشویق انضباط بی‌خشونت نقشی داشته باشد رد نمی‌کند، آن را محل تردید قرار می‌دهد.

یافته‌های اصلی پژوهش آماری در جدول ۳ در صفحه‌ی بعد خلاصه شده است.

۴۴

جدول ۳. نتایج تحلیل آماری

عامل	نتیجه
تجربه‌ی تاریخی کنش خشونت‌آمیز و بی‌خشونت؟	بر کل گروه کارزارها اثر نامشخصی داشت، اما ممکن است بر انضباط بی‌خشونت در کارزارهای بزرگ و انقلابی اثر بگذارد.
طیف گسترده‌ی تاکتیک‌های پیشین مقاومت مدنی؟	اثر قابل‌سنجشی نداشت.
محیط سیاسی بیرونی / امتیازها؟	اثری عکسِ اثر مورد انتظار داشت. امتیازدهی به کارزارهای مقاومت مدنی با فروپاشی انضباط بی‌خشونت دنبال شد.
رهبری قوی و منسجم کارزار؟	اثری عکسِ اثر مورد انتظار داشت. کارزارهای سلسله‌مراتبی و یکپارچه انضباط بی‌خشونت پایین‌تری داشتند.
اهداف میانه‌رو؟	اثر مورد انتظار را داشت. کارزارهایی با اهداف میانه‌رو انضباط بی‌خشونت بالاتری داشتند.
انتخاب‌های تاکتیکی برای پرهیز از رویارویی؟	نشانه‌های ضعیفی بود که تاکتیک‌های دارای رویارویی فیزیکی انضباط بی‌خشونت پایین‌تری داشتند، اما نتایج روشن نبود.
تنوع؟	اثر قابل‌سنجشی نداشت.
سرکوب؟	اثر مورد انتظار را داشت. سطوح بالاتر سرکوب کنش‌های بی‌خشونت به افت انضباط بی‌خشونت انجامید.
معیارهای عضویت؟	نشانه‌های ضعیفی بود که کنش‌های جوانان انضباط بی‌خشونت پایین‌تری داشتند، اما نتایج روشن نبود.
طول مدت کارزار؟	کنش‌های مراحل بعدی کارزار انضباط بی‌خشونت پایین‌تری داشتند، اما رابطه تا اندازه‌ای ناپایدار بود.

«NVD» در متن اصلی جدول کوتاه‌نوشت «انضباط بی‌خشونت» است.

پیوست الف: ضمیمه‌ی آماری [۷۶]

این ضمیمه‌ی آماری جزئیاتی درباره‌ی عملیاتی‌سازی متغیرهایی که در بخش آزمون آماری به کار رفته‌اند، جزئیاتی درباره‌ی روش‌های آزمون آماری و توجیه آن‌ها، و نیز ارائه‌ای فنی‌تر از آزمون‌های استحکام گوناگونی که برای اطمینان از کاذب نبودنِ روابطِ شناسایی‌شده در آن بخش انجام شد، به دست می‌دهد. این ضمیمه برای دانشگاهیانِ اهل روش‌های کمّی که به جزئیات رویه‌های آزمون علاقه دارند، و نیز برای هر کسی که درباره‌ی ساختار آزمون آماری پرسش یا تردیدی دارد، جالب خواهد بود.

داده‌های آزمون‌های آماری از مجموعه‌داده‌ی «کارزارها و پیامدهای بی‌خشونت و خشونت‌آمیز» (NAVCO) نسخه‌ی ۳.۰، تازه‌ترین نسخه‌ی پروژه‌ی جاری داده‌های NAVCO، گرفته شده است.[۳۵] NAVCO 3.0 اطلاعاتی درباره‌ی ستیز سیاسی در چند کشور جهان از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۲ گرد می‌آورد. برخلاف نسخه‌های پیشین داده‌های NAVCO، نسخه‌ی ۳.۰ بسیار تفکیک‌شده است و رویدادهای منفرد را جداگانه کدگذاری می‌کند، به‌جای آنکه آن‌ها را در قالب کارزارها یا «کارزار-سال»ها تجمیع کند.

در آزمون آماری، رویدادِ منفرد واحد تحلیل بود و انضباط بی‌خشونت به این صورت سنجیده شد که آیا رویدادی مشخص، که درون یک کارزار بی‌خشونت جای دارد، شامل کنش خشونت‌آمیز بوده است یا نه. گرچه ویژگی‌های کارزار به‌عنوان متغیرهای مستقل در مدل گنجانده شده‌اند، بنابراین متغیر وابسته برای نمونه یک نمره‌ی میانگینِ «انضباط بی‌خشونت» برای یک کارزار نیست، بلکه احتمال خشونت‌آمیز بودنِ یک رویداد مشخص است.

ساختار پایه‌ی کدگذاری داده‌ها از طرح کدگذاری CAMEO پیروی می‌کند که در آن «کنشگران» «فعل‌هایی» را علیه «هدف‌هایی» انجام می‌دهند.[۳۶] در NAVCO هر یک از این سه مقوله می‌تواند تا سه سطح از جزئی‌سازی داشته باشد. برای نمونه، جدول ۱ در زیر یک سطر نمونه از کد هسته‌ای NAVCO 3.0 را نشان می‌دهد. این سطر مشخص، دانشجویان معترض (ACT STU) را نشان می‌دهد که علیه وزارت آموزش (GOV EDU) دست به اعتراض یا تظاهرات برای تغییر سیاست (۱۴۱۲) زده‌اند.

[۷۷]

جدول ۱ (پیوست). مقایسه‌ی موردی و یافته‌های آماری [عنوان در اصل چنین است؛ محتوا یک سطر نمونه از کدگذاری NAVCO 3.0 است — م.]

actor_3	actor_6	actor_9	verb_10	verb_100	verb_1000	target_3	target_6	target_9
ACT	STU		14	141	1412	GOV	EDU	

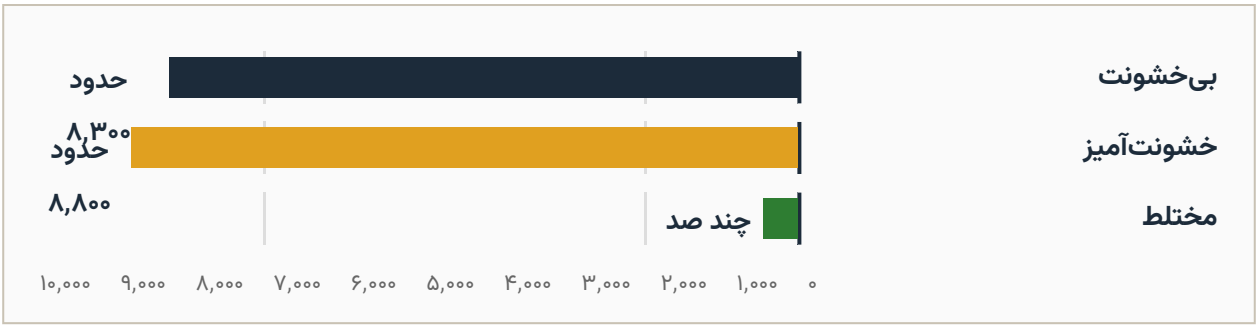
افزون بر داده‌های هسته‌ایِ «کنشگر-فعل-هدف»، NAVCO 3.0 شمار زیادی متغیر تکمیلی دارد که عناصری چون مکان مشخص، شمار شرکت‌کنندگان و سطح سرکوب حکومتی را کدگذاری می‌کنند (نگاه کنید به جدول ۱). برای فهرست کامل متغیرهای کمکی، نگاه کنید به دفترچه‌ی کدگذاری NAVCO 3.0.

رویدادها بر اساس کنشگر، فعل و هدف تفکیک می‌شوند. برای نمونه، تاکتیک‌های مختلفِ یک کنشگرِ واحد در سطرهای جداگانه‌ی داده آورده می‌شوند. رویدادها بر اساس روز نیز تفکیک می‌شوند. بنابراین، برای نمونه، اعتصابی که ۱۰ روز ادامه دارد به‌صورت ۱۰ «رویداد-روز» جداگانه کدگذاری می‌شود و اطلاعات ویژه‌ی هر روز، تا جایی که در دسترس باشد، ثبت می‌شود. هدف از این تفکیک، فراتر رفتن از تعریف‌های بالقوه مسئله‌سازِ «رویداد» است که کنش‌های ناهمگون را به شکلی ناهماهنگ با هم تجمیع می‌کنند.

نمونه‌ی کامل رویدادها از NAVCO 3.0 همه‌ی کنش‌های فیزیکیِ[۳۷] کارزارهای غیرحکومتی را در ۱۴ کشور دربر می‌گیرد.[۳۸] محدود کردن نمونه به کنش‌های فیزیکی با استفاده از کد فعل CAMEO، بیانیه‌ها را، که پرسش انضباط بی‌خشونت درباره‌شان موضوعیت ندارد، کنار می‌گذارد. کشورهای تشکیل‌دهنده‌ی نمونه برشی جهانی از کارزارهای بزرگ مقاومت مدنی در ۲۵ سال گذشته را نمایندگی می‌کنند، از جمله همه‌ی موارد تغییر رژیم در بهار عربی (مصر، تونس و یمن). نمونه‌ی کامل ۱۷,۸۹۲ رویداد را شامل می‌شود که تقریباً به‌طور برابر میان خشونت‌آمیز و بی‌خشونت تقسیم شده‌اند، با شمار نسبتاً اندکی رویداد «مختلط» که هم عناصر خشونت‌آمیز و هم عناصر بی‌خشونت دارند (نگاه کنید به نمودار ۱ در صفحه‌ی بعد).

۷۸

نمودار ۱ (پیوست). شمار کل رویدادها



بازسازی تقریبی از روی نمودار اصلی، ص. ۷۸؛ مجموع نمونه ۱۷,۸۹۲ رویداد است.

درون این نمونه، کنش‌های منفرد به کارزارهای مشخص خشونت‌آمیز یا بی‌خشونت نسبت داده شدند. این انتساب در فرایندی دومرحله‌ای انجام شد: نخست، بررسی داده‌های مربوط به اهداف کارزار و نام کنشگران که در داده‌های NAVCO 3.0 آمده است؛ و دوم، در صورت لزوم، بررسی منابع دست‌اولی که گردآوری داده‌ها بر آن‌ها استوار بود، برای نسبت دادن رویداد به یک کارزار. تعریف کارزار که در فرایند

انتساب به کار رفت از تعریف چنووت و استفان پیروی می‌کند (Chenoweth and Stephan 2011, 6)، اما برخی از شرایط آن را سهل‌تر می‌گیرد تا نسبت بزرگ‌تری از رویدادها را دربر گیرد. برای آنکه مجموعه‌ای از رویدادها کارزار به شمار آید، باید به‌طور معناداری به هم پیوند داشته باشند و دست‌کم سه رویداد متمایز داشته باشند که فاصله‌شان از هم کمتر از یک سال باشد.

بخش بسیار بزرگی از رویدادها با این رویه به‌آسانی و بی‌دردسر به کارزارها نسبت داده شدند. باقی رویدادها، که تعلقشان به کارزار مبهم‌تر بود، به‌سادگی «نامعلوم» کدگذاری شدند و از آزمون‌های آماری‌ای که هویت کارزار در آن‌ها اهمیت داشت کنار گذاشته شدند.

سپس کارزارها بر اساس چند متغیر در سطح کارزار تفکیک شدند، از جمله اینکه آیا کارزار اهداف «حداکثری» داشت،[۳۹] آیا کارزار عمدتاً خشونت‌آمیز بود، و آیا کارزار در مجموعه‌داده‌ی NAVCO 2.0 گنجانده شده بود. [۷۹] آزمون‌ها سپس به شکل‌های گوناگون اجرا شدند: با کنار گذاشتن همه‌ی رویدادهای کارزارهای عمدتاً خشونت‌آمیز، با کنار گذاشتن رویدادهایی که به هیچ کارزاری تعلق نداشتند، با آزمون فقط روی کارزارهای حداکثری، و با آزمون فقط روی کارزارهای NAVCO 2.0. بیشتر آزمون‌ها، از جمله همه‌ی نتایجی که در متن اصلی تک‌نگاری گزارش شده، با کنار گذاشتن رویدادهای کشورهای دموکراتیک از نمونه اجرا شدند. اینکه رویدادی مشخص در یک دموکراسی رخ داده یا نه، با استفاده از متغیر Polity2 از مجموعه‌داده‌ی Polity IV تعیین شد،[۴۰] و رویدادهای هر «کشور-سال» با نمره‌ی Polity2 بالاتر از ۵ رخ‌داده در دموکراسی به شمار آمدند.

متغیر وابسته‌ی اصلی برای سنجش انضباط بی‌خشونت بر متغیر tactical_choice از داده‌های NAVCO 3.0 تکیه داشت که کدگذاری می‌کند یک رویداد «بی‌خشونت»، «خشونت‌آمیز» یا «مختلط» بوده است. این متغیر به یک متغیر دوحالتی (nv_discipline) تبدیل شد که اگر رویداد بی‌خشونت بود مقدار ۱ و اگر خشونت‌آمیز یا «مختلط» بود مقدار ۰ می‌گرفت.

برای عملیاتی‌سازی متغیرهای مستقل، از انواع متغیرهای NAVCO 3.0، NAVCO 2.0 و مجموعه‌داده‌های بیرونی استفاده شد. داده‌های مربوط به تجربه‌های تاریخی مقاومت خشونت‌آمیز و بی‌خشونت از مجموعه‌داده‌ی NAVCO 2.0 و نیز افزوده‌هایی که اکنون به NAVCO 2.0 کدگذاری می‌شوند آمد. چهار متغیر دوحالتی – v_past_success، nv_past_failure، nv_past_success و v_past_failure – ثبت می‌کردند که آیا کشور از هر یک از این مقوله‌ها کارزارهای موفق یا ناموفق داشته است. گرچه هیچ محدوده‌ی زمانی رسمی به تعریف افزوده نشد، NAVCO 2.0 کارزارهایی را تا سال ۱۹۴۵ به عقب ثبت می‌کند.

سنجش دسترس‌پذیریِ طیف گسترده‌ای از تاکتیک‌های مقاومت مدنی (رپرتوارهای ستیز) با استفاده از تبدیل داده‌های خودِ NAVCO 3.0 انجام شد. سنجه‌ی اصلی رپرتوارها همه‌ی کنش‌های بی‌خشونت را در یک سال مشخص جمع می‌زد و این عدد را در تعداد انواع کنش بی‌خشونت (که با فعل‌های گوناگون CAMEO ثبت می‌شوند) ضرب می‌کرد. سپس از این عدد برای یک دوره‌ی پنج‌ساله میانگین گرفته شد و به مقیاس ۰ تا ۱ بهنجار شد.[۴۱] این سنجه به چند دلیل بهترین عملیاتی‌سازیِ ممکنِ رپرتوارهای ستیز با استفاده از داده‌های NAVCO 3.0 است. نخست، ثبت شمار رویدادها و ضرب آن در شمار شکل‌های ستیز، اهمیتِ این را که مقاومت مدنی هم گسترده باشد و هم از ۸۰ تاکتیک‌های متنوع تشکیل شده باشد در بر می‌گیرد. دوم، میانگین‌گیری بلندمدت این واقعیت را ثبت می‌کند که رپرتوارها کند تغییر می‌کنند. میانگینی با دوره‌ی بلندتر شاید بهتر بود، اما امکان آن به دلیل بازه‌ی زمانی نسبتاً کوتاه داده‌های NAVCO 3.0 محدود است.

برای محیط سیاسی بیرونی/ساختار فرصت سیاسی (H4) و برای سرکوب (H12)، آزمون از متغیر st_posture در NAVCO 3.0 استفاده کرد که پاسخ حکومت به یک رویداد مشخص را ثبت می‌کند، در طیفی از امتیازدهی کامل تا سرکوب خشونت‌آمیز با قصد کشتن. از این متغیر برای ساختن متغیرهای دوحالتیِ repress (سرکوب) و concessions (امتیاز) استفاده شد. سپس از این دو متغیر در ۲۵ رویداد بی‌خشونت یا خشونت‌آمیزِ گذشته میانگین گرفته شد، که سنجه‌ای تقریبی از شمار رویدادهای خشونت‌آمیز و بی‌خشونتی به دست می‌دهد که در گذشته‌ی نزدیک یا سرکوب شده‌اند یا نوعی امتیاز گرفته‌اند.[۴۲]

سنجه‌ی اهداف راهبردی میانه‌رو بر یک متغیر «حداکثری» استوار بود که به‌صورت دستی و با بهره از متغیر camp_goals در NAVCO 3.0 کدگذاری شده بود. این کدگذاری به‌جای تجمیع ساده‌ی کدگذاری اصلی NAVCO 3.0 به‌صورت دستی انجام شد، عمدتاً به دلیل مشکلات داده‌های گم‌شده و نیز برای ثبت بهتر پیوندهای میان رویدادها.

برای سنجش انتخاب‌های تاکتیکیِ رویارویانه/غیررویارویانه، تک‌نگاری از متغیر nv_categ در NAVCO 3.0 استفاده می‌کند که رویدادها را در سه مقوله‌ی شارپ، یعنی «اعتراض و اقناع»، «عدم همکاری» و «مداخله»، از هم جدا می‌کند.[۴۳] به پیروی از شارپ، تک‌نگاری انتظار دارد تاکتیک‌های عدم همکاری کمترین رویارویی و تاکتیک‌های مداخله‌ی بی‌خشونت بیشترین رویارویی را داشته باشند.

هم رهبری منسجم و هم تنوع کارزار با متغیرهایی از مجموعه‌داده‌ی NAVCO 2.0 سنجیده می‌شوند، و بنابراین مدل‌هایی که این متغیرها را دربر دارند به جامعه‌ی کارزارهایی محدود شدند که پیش‌تر در NAVCO 2.0 کدگذاری شده بودند. رهبری منسجم با استفاده از متغیرهای camp_conf_intensity و camp_structure در NAVCO 2.0 سنجیده شد؛ اولی میزان کشمکش درونی کارزار را ثبت می‌کند (با

طیف کاملی از «وحدت» تا «رقابت فعال میان گروه‌ها همراه با خشونت») و دومی ثبت می‌کند که آیا کارزار ساختاری متمرکز و سلسله‌مراتبی داشته است یا نه. تنوع کارزار با تجمیع نُه بُعد تنوع در NAVCO 2.0[۴۴] و ساختن شاخص تنوعی با نمره‌های ۰ تا ۹ عملیاتی شد.

طول مدت کارزار با شمردن تعداد روزها از [۸۱] نخستین رویداد ثبت‌شده در کارزار تا رویداد مورد نظر کدگذاری شد. تعداد روزها با کم کردن تاریخ نخست از تاریخ رویداد کنونی در اکسل محاسبه شد. از آنجا که دامنه‌ی کامل این متغیر بسیار بزرگ است (بیشینه‌ی مقدار مشاهده‌شده در نمونه‌ی اصلی آزمون ۷۴۵۶ است)، برای آنکه متغیر با دیگر متغیرهای مدل قابل مقایسه باشد، بیشتر آزمون‌ها از نسخه‌ای مقیاس‌شده از متغیر استفاده کردند. آزمون‌ها نخست با نسخه‌ای مقیاس‌شده به ۰ تا ۱ (یعنی تعداد روزها تقسیم بر ۷۴۵۶) اجرا شدند. برای پرهیز از سوگیری احتمالی ناشی از داده‌های پرت با مقادیر بسیار بالا، آزمون‌ها همچنین با نسخه‌ای اجرا شدند که طوری مقیاس‌بندی شده بود که ۱ برابر میانگین به‌علاوه‌ی ۳ انحراف معیار (۳۴۴۲٫۲۵) باشد. هر دو متغیر مقیاس‌شده روابط مشابهی با متغیر وابسته پدید می‌آورند.

سرانجام، یک جنبه از فرضیه‌ی «معیارهای عضویت» با سنجیدن این آزموده شد که آیا کنش‌هایی که دانشجویان و جوانان انجام می‌دهند بیش از دیگر کنش‌ها دچار فروپاشی انضباط بی‌خشونت می‌شوند یا نه. گرچه این آزمون مستقیماً به پرسش معیارهای عضویت نمی‌پردازد، به یکی از حوزه‌های عمده‌ای مربوط است که معیارهای عضویت در آن موضوعیت دارند: گنجاندن جوانان، چنان‌که پیش‌تر بحث شد. این آزمون با استفاده از کدهای کنشگر در NAVCO 3.0 انجام شد که کد STU را برای کنش‌های دانشجویان و کد YTH را برای کنش‌های جوانان دربر دارند.

آماره‌های توصیفیِ همه‌ی متغیرهای مستقل و وابسته‌ی اصلی من در نمونه‌ی اصلی آزمون در جدول ۲ در صفحه‌ی بعد آمده است.[۴۵]

[۸۲]

جدول ۲ (پیوست). آماره‌های توصیفی

متغیر	شمار مشاهده	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
انضباط بی‌خشونت NV_Discipline	5987	0.860531	0.346464	0	1
سرکوب گذشته (بی‌خشونت) Past Repression (NV)	5684	0.134296	0.169879	0	1
امتیاز گذشته (بی‌خشونت) Past Concessions (NV)	5684	0.027573	0.060367	0	0.722222
سرکوب گذشته (خشونت‌آمیز) Past Repression (V)	5565	0.409666	0.259576	0	1
امتیاز گذشته (خشونت‌آمیز) Past Concessions (V)	5565	0.003153	0.013291	0	0.181818
کارزار موفق پیشین (بی‌خشونت) Past Successful Campaign (NV)	4853	0.301463	0.458941	0	1
کارزار ناموفق پیشین (بی‌خشونت) Past Failed Campaign (NV)	4853	0.512261	0.499901	0	1
کارزار موفق پیشین (خشونت‌آمیز) Past Successful Campaign (V)	4853	0.534721	0.498844	0	1
کارزار ناموفق پیشین (خشونت‌آمیز)* Past Failed Campaign (V)	4853	48.43215	131.6934	0	1
کارزار سلسله‌مراتبی Hierarchical Campaign	1208	0.024007	0.153133	0	1
کشمکش درونی کارزار Campaign Internal Conflict	1269	0.651694	0.514804	0	2
تنوع کارزار Campaign Diversity	1269	6.339638	2.828234	2	9
مشارکت در رویداد (لگاریتمی) Event Participation (logged)	2713	2.862363	1.280963	0	6.30103
نمره‌ی رپرتوار Repertoire Score	5666	0.098575	0.113608	0	0.446442
کارزار حداکثری Maximalist Campaign	5699	0.471837	0.49925	0	1
اعتراض Protest	5699	0.30286	0.459536	0	1
مداخله Intervention	5699	0.143183	0.35029	0	1
عدم همکاری Non-Cooperation	5699	0.43376	0.495636	0	1
دانشجو Student	5699	0.0876	0.2827	0	1
روزهای کارزار Campaign Days	5987	476.9733	988.4628	0	7456

* میانگین و انحراف معیار این ردیف در متن اصلی چنین آمده است؛ برای متغیری دوحالتی (۰ یا ۱) میانگین ۴۸ ناممکن است و احتمالاً خطای چاپی است. — م.

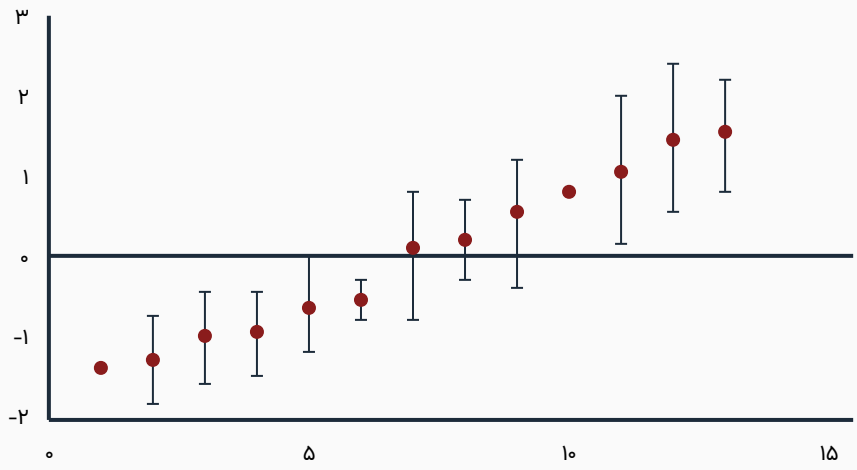
۸۳ ابزار آماری اصلی در آزمون، رگرسیون لجستیک چندسطحی بود. یکی از مشکلات اصلی در تحلیل داده‌های رویدادی از چند کشور/کارزار این است که مشاهده‌های گوناگون از یک کشور یا کارزار واحد از هم مستقل نیستند. بنابراین نتایج آماریِ تکنیک‌های ساده‌ی رگرسیون خطی یا لجستیک احتمالاً کاذب خواهند بود. پژوهشگران حوزه‌ی منازعه معمولاً کوشیده‌اند با استفاده از خطاهای استاندارد مقاوم از این مشکل پرهیز کنند.[۴۶] اما گرچه این رویکرد ممکن است به پرهیز از برخی مشکلات استنباط آماری کمک کند، راه برتر برای ثبت ساختار چندسطحی داده‌ها، تحلیل داده‌های چندسطحی است.[۴۷] تحلیل چندسطحی به‌صراحت این واقعیت را در نظر می‌گیرد که بسترها اهمیت دارند، و تقریباً همیشه برازش و توان پیش‌بینی مدل‌های آماری را بهبود می‌بخشد. تحلیل چندسطحی در پژوهش رفتار سیاسی به استاندارد بدل شده، اما پژوهشگران صلح و منازعه تنها به‌تازگی به کاربرد آن روی آورده‌اند.

برای چند متغیر که به‌طور ویژه معنادار از آب درآمدند، متن اصلی اثرهای نهایی و احتمال‌های پیش‌بینی‌شده را گزارش می‌کند. این‌ها با استفاده از گسترده‌ترین مدلِ مناسب برای هر متغیر مستقلِ مشخص به دست آمدند. برای نمونه، برای سنجش اثرهای نهایی متغیرهایی که در کل نمونه‌ی اصلی آزمون حضور دارند، مدلی به کار رفت که بیشترین متغیرهای کل نمونه را داشت. برای سنجش اثرهای نهایی متغیرهایی که تنها در نمونه‌ی کارزارهای NAVCO 2.1 حضور دارند (مانند hierarchy، internal_conflict و diversity)، مدل کامل با همه‌ی متغیرها به‌جز متغیرهای انتخاب تاکتیکی (به دلایلی که در ادامه بحث می‌شود) به کار رفت. احتمال‌های پیش‌بینی‌شده در مقادیر مختلف متغیر مستقلِ مورد نظر، با صفر قرار دادن متغیرهای دوحالتی و قرار دادن متغیرهای پیوسته در میانگینشان به دست آمدند.

نتایج و بحث

نخستین نتیجه‌ی عمده‌ی تحلیل این است که داده‌ها به‌روشنی ضرورت گنجاندن بستر در آزمون‌های آماری را نشان می‌دهند. همان‌طور که «نمودار کرمی» (caterpillar plot) در نمودار ۲ در صفحه‌ی بعد نشان می‌دهد، حتی کارزارهای مقاومت مدنی NAVCO سطوح میانگینِ بسیار متفاوتی از انضباط بی‌خشونت دارند، و واریانسِ چند کارزار آن‌ها را به‌طور معناداری از صفر متفاوت می‌کند. ۸۴ این درس ساده شاید شگفت‌انگیز نباشد، اما بر اهمیت حیاتی استفاده از روش‌های آماری مناسب برای ثبت این تفاوت‌های حیاتی تأکید می‌کند.[۴۸]

نمودار ۲ (پیوست). احتمال پایه‌ی انضباط بی‌خشونت در کارزارهای NAVCO



محور افقی: رتبه‌ی کارزار — محور عمودی: احتمال انضباط بی‌خشونت (لگاریتم بخت)

بازسازی تقریبی از روی نمودار اصلی، ص. ۸۴؛ نقطه‌ها برآورد هر کارزار و خط‌ها بازه‌ی اطمینان ۹۵ درصد را نشان می‌دهند.

گونه‌های اصلی مدل‌ها را در جدول ۳ در صفحه‌ی بعد خلاصه کرده‌ام. چنان‌که جدول نشان می‌دهد، بسیاری از متغیرها علامت و معناداری مورد انتظار خود را دارند. سرکوبِ گذشته‌ی کنش بی‌خشونت یکی از پایدارترین عوامل کاهنده‌ی انضباط بی‌خشونت در مدل‌های مختلف است. تقریباً در هر ترکیبی از متغیرها، سطوح سرکوب گذشته پیش‌بینی‌کننده‌ای اساسی و معنادار برای فروپاشی انضباط بی‌خشونت‌اند.

۸۵

جدول ۳ (پیوست). مدل‌های رگرسیون

متغیر	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵	مدل ۶	مدل ۷
سرکوب گذشته (بی‌خشونت) Past Repression (NV)	-2.556***	-2.447***	-2.656***	-2.473***	-2.649***	-1.574***	-0.645***
امتیاز گذشته (بی‌خشونت) Past Concessions (NV)		-5.110***	-5.062***	-5.136***	-5.017***	-9.253***	-21.642***
سرکوب گذشته (خشونت‌آمیز) Past Repression (V)		-0.263	-0.321	-0.200	-0.106	0.730	0.693
امتیاز گذشته (خشونت‌آمیز) Past Concessions (V)		0.327	0.301	0.011	0.898	5.063	8.712
کارزار موفق پیشین (بی‌خشونت) Past Successful Campaign (NV)			-0.114	-0.166	-0.0846	2.339***	2.569*
کارزار ناموفق پیشین (بی‌خشونت) Past Failed Campaign (NV)			-1.060***	-1.139***	-0.853**	0.314	-0.165
کارزار موفق پیشین (خشونت‌آمیز) Past Successful Campaign (V)			-0.078	-0.151	-0.232	0.583	1.680
کارزار ناموفق پیشین (خشونت‌آمیز) Past Failed Campaign (V)			0.564	0.663	0.567	-1.221**	-3.091**
نمره‌ی رپرتوار Repertoire Score				0.218	0.258	-1.313	1.280
کارزار حداکثری Maximalist Campaign				-2.602***	-2.548***		
دانشجو Student					-0.548***	-0.154	-0.381
روزهای کارزار (مقیاس‌شده) Campaign Days (scaled)					-1.025***	1.364	
سلسله‌مراتب Hierarchy						-1.174*	1.756
کشمکش درونی Internal Conflict						1.634**	1.842**
اعتراض Protest							4.432***
عدد ثابت Constant	3.387***	3.644***	3.470***	4.181***	4.245***	0.428	-2.221
n	5978	5855	4929	4755	4755	965	965
n (کارزارها) n (campaigns)	230	227	198	195	195	10	10
Wald Chi2	64.09***	102.27***	125.18***	150.53***	157.02***	58.42***	236.55***

ضریب‌ها در مقیاس لگاریتم بخت‌اند. سطح‌های معناداریِ نشانه‌های * در متن اصلی تعریف نشده‌اند. جای خانه‌های خالی از روی جدول اصلی بازسازی شده است؛ در اصل، ستون دقیق دو ضریبِ «روزهای کارزار» کاملاً روشن نیست. — م.

۸۶ با این حال، شگفت آنکه امتیازهایی که در پی کنش‌های بی‌خشونتِ گذشته داده شده‌اند نیز به‌طور معناداری انضباط بی‌خشونت را کاهش می‌دهند، و این رابطه در مدل‌های متعدد پایدار می‌ماند.[۴۹] این یافته، که نشان می‌دهد فروپاشی انضباط بی‌خشونت پس از امتیازدهی به کارزارهای مقاومت مدنی محتمل‌تر است، برخلاف منطقی است که در بخش پیشین بحث شد. به نظر نمی‌رسد این یافته

محصولی ساختگیِ روش آماری هم باشد؛ در برابر تعریف جایگزینِ متغیر مستقل، و نیز کنار گذاشتن داده‌های پرت (هر مشاهده‌ای که بیش از ۳ انحراف معیار از میانگین فاصله دارد) از نمونه، پایدار می‌ماند. در مورد امتیازها شمار قابل‌توجهی داده‌ی پرت وجود دارد: ۱۶۰ مشاهده بیش از ۳ انحراف معیار بالاتر از میانگین‌اند. با این حال، گرچه کنار گذاشتن این داده‌های پرت معناداری رابطه‌ی امتیازها را اندکی کاهش می‌دهد، تأثیر اساسی بر اندازه‌ی ضریب ندارد و آن را از نظر آماری بی‌معنا نمی‌کند.

توجیه‌های احتمالی برای این رابطه‌ی غیرمنتظره، به‌ویژه سست شدن محدودیت‌های کارزار، در متن اصلی با جزئیات بیشتری بحث شده‌اند.

سنجه‌های سرکوب و امتیازِ کنش خشونت‌آمیزِ گذشته، به‌تنهایی، تأثیر معناداری بر سطح انضباط بی‌خشونت ندارند. با این حال، جایگزین کردن سنجه‌های جداگانه‌ی خشونت‌آمیز و بی‌خشونتِ سرکوب و امتیاز گذشته با یک سنجه‌ی واحد سرکوب و امتیاز[۵۰] از همان الگوی سنجه‌های صرفاً بی‌خشونت پیروی می‌کند.

سنجه‌های تاریخ نتایج متفاوتی دارند. در نمونه‌ی بزرگ‌ترِ همه‌ی کارزارهای مقاومت مدنی در کشورهای غیردموکراتیک، هیچ‌یک از این متغیرها به معناداری آماری نمی‌رسند. تنها متغیری که کارزار خشونت‌آمیز ناموفقِ گذشته را می‌سنجد به معناداری نزدیک می‌شود، و ضریبش آن‌قدر کوچک است که اثرش عملاً از صفر قابل تشخیص نیست. [در جدول ۳ پیوست، متغیر «کارزار بی‌خشونت ناموفق پیشین» در مدل‌های ۳ تا ۵ معنادار گزارش شده است – م.]

با این حال، این تصویر وقتی نمونه به رویدادهای کارزارهای NAVCO 2.0 محدود می‌شود تغییر می‌کند. در این نمونه، هر چهار متغیر تأثیر مورد انتظار خود را دارند: سابقه‌ی مقاومت بی‌خشونت موفق و مقاومت خشونت‌آمیز ناموفق انضباط بی‌خشونت را افزایش می‌دهند، و مقاومت بی‌خشونت ناموفق و مقاومت خشونت‌آمیز موفق آن را کاهش می‌دهند.

کاربرد پیشینِ طیف گسترده‌ای از تاکتیک‌های مقاومت مدنی (رپرتوار ستیز) تأثیری غیرمنتظره دارد: در نمونه‌ی بزرگ‌ترِ ۸۷ کارزارهای مقاومت مدنی انضباط بی‌خشونت را به‌شدت کاهش می‌دهد، اما در کارزارهای NAVCO تأثیر معناداری ندارد. متغیر مشارکت دانشجویان تأثیر مشابهی دارد: در کل جامعه‌ی کارزارها انضباط بی‌خشونت را کاهش می‌دهد، اما در کارزارهای NAVCO معناداری آماری خود را از دست می‌دهد.

همه‌ی متغیرهای ویژگی کارزار (سلسله‌مراتب، کشمکش درونی و تنوع) تنها برای کارزارهای NAVCO در دسترس‌اند، و بنابراین همه‌ی آزمون‌ها به این جامعه‌ی کوچک‌ترِ رویدادها محدودند. نمره‌ی تنوع هرگز حتی به معناداری آماری نزدیک نمی‌شود و در هر نسخه از مدل مقدار p بسیار بالایی دارد. متغیرهای

سنجش سلسله‌مراتب و کشمکش درونی معنادارند، اما علامتشان عکسِ رابطه‌ی مورد انتظار است: سلسله‌مراتب با انضباط بی‌خشونت رابطه‌ی منفی، و کشمکش درونی با آن رابطه‌ی مثبت دارد. توجیه احتمالی این رابطه‌ی معکوس در متن اصلی به‌تفصیل بحث شده است. یک توضیح احتمالی این است که انضباط بی‌خشونت بیشتر از استدلال ماتاینی درباره‌ی مالکیت و مشارکت فردی در کارزار پیروی می‌کند تا از استدلال پرلمن درباره‌ی چندپارگی.[۵۱]

طول مدت کارزار در نمونه‌ی اصلی آزمون از رابطه‌ی مورد انتظار پیروی کرد: با افزایش تعداد روزها از آغاز کارزار، فروپاشی انضباط بی‌خشونت به‌طور معناداری محتمل‌تر شد. با این حال، معناداری این متغیر وقتی به نمونه‌ی کارزارهای NAVCO 2.0 محدود شد ناپایدار بود، که نشان از رابطه‌ای دارد که کاملاً استوار نیست.

سرانجام، متغیرهای تاکتیکی تصویری پیچیده برای تفسیر به دست می‌دهند. گرچه در مدل کامل بسیار معنادارند، بررسی بیشتر داده‌ها نشان می‌دهد که این امر عمدتاً ناشی از ساختار داده‌هاست. برخلاف فعل‌های اعتراض، عدم همکاری و مداخله در NAVCO 3.0، که معمولاً رویدادهای بی‌خشونت را توصیف می‌کنند، چند فعل دیگر که این‌ها به‌عنوان مرجع با آن‌ها مقایسه می‌شوند بنا به تعریف خشونت‌آمیزند. بنابراین تاکتیک‌ها به‌جای آنکه واقعاً با یکدیگر سنجیده شوند، عمدتاً با رویدادهایی مانند تیراندازی و شورش سنجیده می‌شوند که بنا به تعریف خشونت‌آمیزند.

برای آزمودن اینکه آیا این روابط وقتی واقعاً با یکدیگر مقایسه شوند پابرجا می‌مانند، همان آزمون‌ها با کنار گذاشتن این رویدادهای ذاتاً خشونت‌آمیز (که بیشترِ موارد فروپاشی انضباط بی‌خشونت در داده‌ها را تشکیل می‌دهند) از ۸۸ مجموعه‌داده تکرار شد. وقتی جامعه‌ی آماری به این شکل کاهش می‌یابد، معناداری آماریِ سه نوع مقاومت مدنی از میان می‌رود. با این حال، گرچه الگو ناپایدار است، اعتراض‌ها و عدم همکاری معمولاً رابطه‌ی مثبتی با انضباط بی‌خشونت دارند، در حالی که مداخله اندکی رابطه‌ی منفی با آن دارد.

یافته‌های پژوهش آماری به‌اختصار در جدول ۵ در صفحه‌ی بعد [در اصل «جدول ۵» آمده، اما جدول صفحه‌ی بعد «جدول ۴» است – م.] خلاصه شده‌اند، و پیامدهای یافته‌ها در متن اصلی به‌تفصیل بحث شده‌اند.

۸۹

جدول ۴ (پیوست). نتایج آماری

#	متغیر مستقل	نتیجه‌ی آزمون
H1	تجربه‌ی تاریخی ستیز خشونت‌آمیز و بی‌خشونت	**تأیید شد**
H2	اطلاعات درباره‌ی کارزارهای مقاومت مدنی	**آزموده نشد**
H3	رپرتوار بی‌خشونتِ ستیز	**تأیید نشد**
H4	ساختار فرصت سیاسیِ پاداش‌دهنده به کنش بی‌خشونت	**رابطه‌ی معکوس**
H5	فراخوان رهبران جنبش به انضباط بی‌خشونت	**آزموده نشد**
H6	رهبری قوی و منسجم کارزار	**رابطه‌ی معکوس**
H7	اهداف راهبردی میانه‌رو	**تأیید شد**
H8	انتخاب‌های تاکتیکی برای پرهیز از رویارویی	**نامشخص**
H9	معیارهای عضویت که کنش‌گران خشونت‌طلب را کنار می‌گذارد	**نامشخص**
H10	سطوح بالای تنوع	**تأیید نشد**
H11	مجازات کنش‌های خشونت‌آمیز از سوی کارزار	**آزموده نشد**
H12	سرکوب تبعیض‌گذارِ مقاومت خشونت‌آمیز	**تأیید شد**
H13	طول مدت کارزار	**تأیید شد**

H1 تا H13 همان تأثیرهای ۱ تا ۱۳ فصل اول‌اند.

پایان بخش ۲. بخش ۳ (فصل سوم: مقایسه‌ی انقلاب‌های رنگی در صربستان، گرجستان و قرقیزستان) دوشنبه‌ی آینده منتشر می‌شود. در آن بخش، تأثیرهایی که داده‌های آماری نمی‌توانستند بسنجند، از جمله آموزش، فراخوان رهبران و مجازات از سوی کارزار، در سه مطالعه‌ی موردی بررسی می‌شوند.

پانوشت‌ها (به زبان اصلی، با شماره‌ی اصل)

22. These patterns are averaged over different numbers of past actions. The primary testing variable is the average number of actions repressed or gaining concessions over the last 25 nonviolent actions. For more detail, see the statistical annex.

23. The countries are Algeria, Bahrain, Egypt, Kenya, Libya, Madagascar, Mexico, Morocco, Pakistan, Sudan, Tunisia, Ukraine, Uzbekistan and Yemen.

24. For example, a largely nonviolent demonstration in which some participants engage in clashes with police would be a “mixed” action.

25. See the statistical annex for more information on how these predicted probabilities were derived. The primary statistical tests used a measure of the percentage of the last 25 nonviolent actions repressed.

26. Refer to Figure 2 and the discussion in the statistical annex for more information.

27. Thanks to Brian Martin for suggesting this potential mechanism.

28. Technically speaking, campaigns with revolutionary goals would include those against military occupations (Chenoweth and Stephan 2011); however the data used for this project contain no campaigns coded as anti-occupation.

29. Thanks to Erica Chenoweth for suggesting this.

پانوشت‌های ۳۰ تا ۳۴ به فصل‌های ۳ و ۴ تعلق دارند و در بخش‌های بعدی می‌آیند.

35. For more information on the project, see www.navcodata.org and also Erica Chenoweth and Orion Lewis “Unpacking Nonviolent Campaigns: Introducing the NAVCO 2.0 Data,” *Journal of Peace Research* 50.3 (2013).

36. Phillip A. Schrodt, “CAMEO: Conflict and Mediation Event Observations Event and Actor Codebook,” Computational Event Data Systems (2012).

37. In technical terms, the sample excludes all events with a first-level verb code of 13 or lower.

38. The countries used in this monograph are Algeria, Bahrain, Egypt, Kenya, Libya, Madagascar, Mexico, Morocco, Pakistan, Sudan, Tunisia, Ukraine, Uzbekistan and Yemen.

39. Maximalist campaigns are defined here as those that seek regime change, secession or an end to occupation. See Chenoweth and Stephan, *Why Civil Resistance Works*.

40. Monty G. Marshall, The Polity IV Annual Time-Series 1800-2014, Dataset (2015), http://www.systemicpeace.org/inscr/p4v2014.xls.

41. Robustness checks were also using an operationalization of the repertoire score averaged over three years instead of five years, and one which simply summed the number of nonviolent actions and averaged them over five years, skipping the step of multiplying by the number of types of nonviolent actions. Neither of these differening operationalizations significantly changes the result.

42. The author’s primary testing variable used an average of the past 25 nonviolent or violent events. Robustness checks that average over shorter or longer time periods (10 past events or 30 past events) do not significantly change the results.

43. Sharp, *The Politics of Nonviolent Action*

44. Gender, age, class, rural-urban, ideology, political party, regional, ethnic and religious.

45. All events from non-democracies except those from primarily violent campaigns and those from no campaign.

46. Chenoweth and Stephan, *Why Civil Resistance Works*

47. See Marco R. Steenbergen and Bradford S. Jones, “Modeling Multilevel Data Structures,” *American Journal of Political Science* 46.1 (2002).

48. The vertical axis of Figure 2 captures the likelihood of maintaining nonviolent discipline at a particular event for each of the NAVCO campaigns (with no independent variables included in the model), measured in log-odds. The campaigns are ranked from least likely to most likely along the x-axis. The points are the likelihoods themselves while the lines extending from the points represent a 95% confidence interval. Campaigns whose confidence interval does not cross the zero line have a log-odds of maintaining nonviolent discipline significantly different than zero.

49. The size of the coefficient, rather than reflecting a great significant impact, reflects the very low mean and standard deviation of the concessions variable. See the summary statistics table.

50. Equal to the level of violent repression/concessions minus the level of nonviolent repression/concessions.

51. Mattaini, *Strategic nonviolent Power*, Pearlman, *Palestinian National Movement*.

ترجمه: پژوهشکده‌ی جنبش معلمان – مجموعه‌ی جنبش‌های اجتماعی، شماره‌ی ۴ (بخش ۲ از ۴). آبان ۱۴۰۵. © متن اصلی: International Center on Nonviolent Conflict, 2016. کتاب‌شناسی کامل در بخش ۴ خواهد آمد.